

## سنجش میزان تأثیرگذاری معیارهای معماری میان‌افزا در طراحی فضاهای فرهنگی\*

مهندس صدیقه غضنفریان\*\*، دکتر رضا نقدبیشی\*\*\*، دکتر ندا ضیابخش\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی عوامل ارتقاء کیفی طراحی فضاهای فرهنگی با استفاده از شاخصه‌های معماری میان‌افزا برای دست‌یابی به راهکارهای طراحی است. بر اساس شاخصه‌های مؤثر در شکل‌گیری به متغیرهای تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی داده‌های حاضر به مدل‌سازی مفهومی حاصل از واکاوی در متغیرهای اصلی پژوهش می‌پردازد. تحلیل و سنجش نمونه‌های موردی در حیطه پژوهش حاضر مورد جستجو و انتخاب قرار گرفته‌اند و به آزمون و کمی‌سازی شاخصه‌های منتج از مطالعات که در مدل مفهومی پژوهش ساختار یافته‌اند پرداخته و سرانجام به اولویت‌بندی مؤلفه‌های موضوع از طریق کمی‌سازی و امتیازدهی بر اساس طیف لیکرت مورد شناسایی قرار می‌گیرد. نهایتاً پس از بررسی و تحلیل به شش ملاک اصلی و سی‌وشش زیرشاخص دست‌یافته و با توجه به نتایج اولویت‌بندی شده، راهکارهای لازم ارائه گردیده است. بر اساس نتایج، در نظر گرفتن راهکارهای مطروحه، طراحی همگون و پایدار، فضای شهری منسجم، هویت کالبدی و فرهنگی مستمر و بافتی زنده را در پی خواهد داشت.

### واژه‌های کلیدی

معماری میان‌افزا، بافت تاریخی، زمینه‌گرایی، مدل‌سازی مفهومی.

\*این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد معماری با عنوان «طراحی خانه فرهنگ با تأکید بر شاخصه‌های معماری میان‌افزا در شهر کاشان» است که توسط نگارنده اول و به راهنمایی آقای دکتر رضا نقدبیشی و مشاوره خانم دکتر ندا ضیابخش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ارائه گردیده است.

\*\* دانش‌آموخته، کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Email: sr.ghazanfarian@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (مسئول مکاتبات).

Email: reza.naghdishi@riau.ac.ir

\*\*\*\* استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Email: ziabakhsh@riau.ac.ir

## مقدمه

سبک مدرن معیارها و روش‌های کلی برای مباحث کاربردی و احیای بافت‌های تاریخی شناسایی و اعلام شد (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۰). بعدها در کنگره‌های بین‌المللی نیز این مباحث جمع‌آوری و مدون شدند. در بسیاری از کنگره‌های بین‌المللی قواعد و ضوابطی برای ساخت‌وساز در زمینه تاریخی در نظر گرفته شد، مانند مفاد منشور آن ۱۹۳۱، کنگره بی تو ۱۹۶۰، مصوبه یونسکو ۱۹۶۲، کنگره ونیز ۱۹۶۴، اجلاس کیوتو ۱۹۶۷، اجلاس پاریس ۱۹۶۸ و منشور ایکوموس ۱۹۸۷ که همه آن‌ها بر حفظ بافت ارزشمند تاریخی زمینه اذعان داشته و شرایط را برای طراحی در این بافت بیان کردند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۹).

با نگاهی بر ادبیات پژوهش به اهمیت در نظر گرفتن معیارهایی برای طراحی در بافت تاریخی پی می‌بریم (پارسی، ۱۳۸۱؛ بیاتی و زمانی، ۱۳۹۴). گرچه در طی سالیان معیارهایی برای طراحی به صورت پراکنده در این باب دیده شده (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷)، اما پژوهش حاضر دربردارنده وجوه مختلف و معیارهای طراحی در بافت تاریخی است، همچنین در این پژوهش به اولویت‌بندی این شاخص‌ها پرداخته شده که پیشتر مورد بررسی واقع نشده بود. با توجه به تأثیر مستقیم زمینه بر روی طرح جدید و تأثیرات متعاقب بنای نو در کالبد بافت موجود، معماری میان‌افزا راه‌حل مناسبی است تا نتیجه مطلوب را برای هر دو سو را فراهم سازد، این معیارها با توجه به ادبیات پژوهش گردآوری و محدود شده‌اند. همچنین در طراحی بافت‌های تاریخی، در حوزه ساخت بنای جدید، بهترین کاربری پیشنهادی، کاربری فرهنگی است که موجب فعال شدن بافت، جذب توریست، ارتقاء اقتصاد ساکنین و اشتغال‌زایی، تداوم هویت و ایجاد حس مکان می‌شود.

## پیشینه پژوهش

توجه به زمینه و طراحی در انطباق با آن، دارای ادبیاتی با قدمت نه‌چندان دور است. پژوهش در حوزه معماری میان‌افزا از اوایل قرن نوزدهم در اروپا برمی‌گردد (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۰). این رویکرد از الگوهای حائز اهمیت در زمینه‌ی ایجاد فرم پایدار شهری و نیز گسترش سامان یافته شهرها است. هویت‌بخشی به مکان، کاهش پراکندگی فضاهای باز، امنیت بیشتر، بالا رفتن کیفیت زندگی ساکنین و همچنین ایجاد حس مکان از جمله پیامدهای این رویکرد است. تعلق محیط شهری، عدم ساخت بنای مدرن در هم‌نشینی بافت تاریخی (حبیبی، ۱۳۹۰)، بهره‌مندی دو قطب زیبایی و تاریخی و نیز آینده‌نگرانه (مهمان‌نواز، ۱۳۸۸) در طراحی بنای جدید در زمینه تاریخی بسیار حائز اهمیت است. پیشینه توجه به مقوله بافت‌های تاریخی به اواسط قرن بیستم بازمی‌گردد. دیدگاه و نظریات مباحث کاربردی و احیا

طراحی جدید در بافت تاریخی همواره سؤالات متعددی را برای معماران و شهرسازان مطرح می‌کند؛ این که چه عواملی از زمینه باید برای طرح جدید در نظر گرفته شود تا نتیجه مطلوب به دست آید. این رویکرد، تقلیدی از گذشته و یا مانع خلاقیت و نوآوری نیست، اما عدم توجه به زمینه و تمایل به ارائه طرحی متمایز از بناها و بافت مجاور برای توجه بیشتر به بنای جدید مرسوم‌تر از طراحی با در نظر گرفتن توجه به سیمای شهری است که نهایتاً موجب آشفتگی بصری آن می‌شود. طراحی در انطباق با زمینه بخصوص در بافت‌های تاریخی خارج از تک بنا است و پیوستگی دید بصری، سیمای شهری، حفظ و ارتقاء هویت و حس مکان و نهایتاً رسیدن به یک کل منسجم از ملزومات آن است. این پژوهش سعی در شناسایی و ارائه معیارهای مهم برای طراحی کاربری فرهنگی در بافت تاریخی داشته تا با استفاده از آن طراحی با ساختاری همگون برای زمینه ارائه گردد.

تفکرات مدرن در طراحی موجب گسیختگی<sup>۲</sup> شهرها و بافت‌های سنتی گردیده است، هر ساختمان باید بر اساس زمینه کالبدی فرهنگی- اجتماعی و تاریخی خود و با توجه به شرایط موجود و انتظارات و آینده طراحی و اجرا شود (قبادیان، ۱۳۹۱). رابرت ونچوری<sup>۳</sup> در کتاب تضاد و پیچیدگی در معماری توجه به زمینه در ابتدا صرفاً به ابعاد کاربردی توجه داشت اما به تدریج به ابعاد انسان‌گرایی<sup>۴</sup> و فرهنگی و اجتماعی گسترش یافت (Venturi, 2002). توجه به زمینه رویداد تاریخی است که عناصر شهر درون آن شناخته می‌شوند و اجزای شهر باید به گونه‌ای به یکدیگر اتصال داشته باشند که معنای مشترکی را القا کنند که این امر فقط با مراجعه به فرهنگ امکان‌پذیر است (تولائی، ۱۳۸۰).

زمینه در طراحی با دو مفهوم اجتماع<sup>۵</sup> و تعامل اجتماعی<sup>۶</sup> رابطه نزدیکی دارد و هماهنگی و تناسب بصری، ویژگی‌های خرد اقلیمی، اقلیم، فرهنگ و هویت از داده‌های وابسته برای طراحی بر اساس زمینه می‌باشند (قدیری، ۱۳۸۵)، همچنین توسعه شهرها باید با محیط اطراف رابطه قوی داشته باشد. معماری میان‌افزا<sup>۷</sup> برای پر کردن فضاهای خالی در محلات است و هدف از آن تدبیر آتی برای احیای بافت‌های تاریخی و همچنین بالا بردن کیفیت زندگی ساکنین آن محل است (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۰). ساخت بنای جدید در زمینه تاریخی باید به پر کردن فضای خالی با بنای استاندارد و هماهنگ با ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و بومی زمینه باشد و حس مکان<sup>۸</sup> را به بیننده القا کند و در انطباق با آن باشد (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲).

در سه دهه اول قرن نوزدهم به دلیل ساخت‌وسازهای بی‌رویه به

## چهارپهوب نظری پژوهش

### معماری میان‌افزا

ارزشمند شماردن زمینه (تاریخی) و طراحی در میان آن در راستای حفظ و ارتقاء کیفی و کمی بافت، در رویکرد معماری میان‌افزا به‌خوبی دیده می‌شود. معماری میان‌افزا از مفهوم‌های رویکرد معماری زمینه‌گرا است. میان‌افزایی تفکری است که هر رخداد را مانند عملی جداناپذیر از زمینه موجود و مستمر با آن می‌داند (Stokots & Altman, 2005؛ شاه تیموری و همکاران، ۱۳۹۰). این رویکرد از راهکارهای مؤثر در پاسخگویی به نابسامانی‌های ایجادشده در شهرها به علت ساخت‌وسازهای غیراصولی و بی‌توجه به بافت تاریخی بوده و پیوندی میان سبک‌های مختلف ایجاد می‌کند. هماهنگ شدن بنای جدید و محیط پیرامون، با توجه به محیط کالبدی، پیشینه فرهنگی، تاریخی و مکانی از پیامدهای این رویکرد است (Connle & Wiley, 2010). جریان مستمر تاریخی در عین توجه به پیشرفت روزافزون، تفکرات آینده‌نگرانه و امکان توسعه در آینده، موجب استمرار و احیای هویت مکان بافت موجود می‌شود (اسدی تبار و شیرانی، ۱۳۹۳؛ حناچی، ۱۳۹۴).

یک اثر در ارتباط با نظام شهری و در مجموعه‌ای بزرگ‌تر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در واقع، پیوندی میان معماری و شهرسازی برقرار کرده و یک واحد کل را ایجاد می‌کند (قدیری، ۱۳۸۵؛ Byard, 1998). مباحثی چون همگونی مقیاس‌ها، پیوستگی و ایجاد ارتباط نما با زمینه، انسجام تک بنا، ردیف بودن بازشوها، رنگ بنا، آب‌وهوا، اقلیم و غیره در رسیدن به یک واحد منسجم لازم است (سعیدیان و مصدق، ۱۳۹۲؛ زندوکیلی، ۱۳۹۶). دیدگاه‌های ارائه‌شده در حوزه معماری میان‌افزا در بافت‌ها تاریخی شامل: ساخت‌وسازهای جدید در بافت‌های تاریخی، دیدگاه‌های صاحب‌نظران معمار، مرمت، شهرسازی و طراحان شهری، دیدگاه‌ها و نگرش‌های منعکس در معاهدات و منشورهای بین‌المللی، دیدگاه ارائه‌شده پیرامون کلیدواژه‌ی «تداوم تاریخی»<sup>۲۴</sup>، دیدگاه ارائه‌شده پیرامون کلیدواژه‌ی «انسجام»<sup>۲۵</sup>، دیدگاه ارائه‌شده پیرامون معماری در «زمینه» و «زمینه‌گرایی»<sup>۲۶</sup> در معماری است (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۰).

وجه خاص طراحی معماری در برخورد با بافت‌های تاریخی را می‌توان بدین شرح بیان نمود: ۱- کالبد معماری (گونه شناسی، الگو، مواد و مصالح، دانه‌بندی، عرصه و اعیان، جزئیات معماری، محیط طبیعی پیرامون) ۲- پیوستگی و یکپارچگی بافت تاریخی و بافت پیرامون ملحق به آن ۳- کاربری (سیاست و تطابق با محیط اطراف) ۴- شبکه دسترسی ۵- منظر بافت تاریخی (تراکم، پراکندگی، خط آسمان) ۶- مالکیت (ترک‌زبان و مرادی، ۱۳۹۰؛ Tylor, 2012).

نوسازی بافت‌های کهن از نیم‌قرن پیش توسط صاحب‌نظران بزرگی همچون لودوک<sup>۹</sup> (۱۸۱۴-۱۸۷۹)، جان راسکین<sup>۱۰</sup> (۱۸۱۸-۱۹۰۰)، بوی تو<sup>۱۱</sup> (۱۸۳۶-۱۹۱۴)، کامیلو سیت<sup>۱۲</sup> (۱۸۴۳-۱۹۰۳)، لوکا بلترامی<sup>۱۳</sup> (۱۸۵۴-۱۹۳۳)، گوستاو جوانی<sup>۱۴</sup> (۱۸۳۷-۱۹۴۷)، پاتریک گدس<sup>۱۵</sup> (۱۸۵۴-۱۹۳۲)، لوکوربوزیه<sup>۱۶</sup> (۱۸۸۷-۱۹۶۵)، ریچارد راجرز<sup>۱۷</sup> (۱۹۳۳) ارائه‌شده است. کنگره‌های بین‌المللی نیز در این حوزه مصوبات و ضوابطی را برای بهبود وضع طراحی نو در هم‌جواری بافت‌های تاریخی به‌منظور حفظ بافت بارز آن‌ها تدوین کرده‌اند (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷).

همچنین مباحث فضاهای فرهنگی در قرن شانزدهم در کشورهای اروپایی شکل گرفت و گسترش آن در کشورهای دیگر با توجه به فرهنگ هر مکان پدید آمد (برک، ۱۳۸۹). این مراکز از دیرباز تاکنون به فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی و گاه سیاسی و اقتصادی می‌پردازد (محمدی، ۱۳۹۰). مراکز فرهنگی به‌منظور ایجاد و حفظ تعاملات اجتماعی و نیز گسترش فرهنگ و هنر کشورها برپا می‌شوند (پاکدل نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). این مکان‌ها آینه فرهنگ هر جامعه و هدایت‌کننده و تداوم‌بخش آن می‌باشند (دروکی و همکاران، ۱۳۹۵). توزیع چنین فضاهایی در شهرها موجب تنوع فضایی شهری و نیز ارتقاء مبحث هویت‌سازی در شهرها می‌شود (نوروزی و شایسته، ۱۳۹۲).

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر معیارهای اثرگذار در شکل‌گیری به‌متغیرهای تحقیق همچون شاخصه‌های معماری میان‌افزا و نیز بستر موجود است. بر این اساس روش تحقیق توصیفی - تحلیلی (جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از منابع ذکرشده، طبقه‌بندی، تلخیص و تنظیم آن‌ها) مورد استفاده قرار گرفته و نیز به‌صورت کیفی<sup>۱۸</sup> (برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده) و کمی<sup>۱۹</sup> (برای امتیازدهی به شاخصه‌های به‌دست‌آمده) (خاکی، ۱۳۹۴) مورد واکاوی صورت گرفته است. تلاش بر گردآوری داده‌ها در حوزه‌های مطالعاتی با راهکار کتابخانه‌ای و همچنین دسته‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها در دو حوزه فضای فرهنگی و معماری میان‌افزا برای رسیدن به تحلیل و بررسی نتایج و در آخر ارائه مدل مفهومی<sup>۲۰</sup> از شناسه‌های دخیل در موضوع پژوهش شکل گرفته است. مدل به‌دست‌آمده برای تعیین نسبت و میزان تأثیر متغیرهای مؤثر بر کیفیت موردنظر پژوهش به‌صورت عام در طراحی فضای فرهنگی کاربرد خواهد داشت. در آخر، به روش کمی‌سازی و امتیازدهی به شاخصه‌های مدل پژوهشی (با ارزشیابی<sup>۲۱</sup> مورد‌های مطالعاتی<sup>۲۲</sup> و با استفاده از طیف لیکرت<sup>۲۳</sup>)، اولویت‌های موضوع شناسایی و راهکار طراحی با توجه به آن‌ها ارائه می‌شود.

### فضای فرهنگی

فرهنگ واژه‌ای آشنا دربرگیرنده زندگی اجتماعی یک ملت که نسل‌ها در تاروپود جامعه شکل گرفته و گسترش پیدا کرده، است. فرهنگ شامل تمامی ابعاد زندگی اجتماعی انسان‌هاست که دارای دو بعد مادی و غیرمادی است. بعد مادی: ابزارها و اشیائی هستند که ساخته دست انسان‌اند و برای نسل‌های دیگر به‌جا می‌ماند و بعد غیرمادی: آداب‌ورسوم و اعتقادات و غیره است که با زبان انتقال و آموخته می‌شوند (از نسلی به نسل دیگر) که سبب برقراری و انتظام روابط اجتماعی می‌گردد (برک، ۱۳۸۹؛ روح‌الامینی، ۱۳۹۴). فرهنگ قدیمی‌ترین ویژگی فطری انسان، روش خاص فکری برخوردار بشر با طبیعت و هم‌نوع خود، نظام فراگیر، پروراندن، شیوه تفکر، رفتار انسان، انتقال به نسل‌های بعد و دیگر کشورها، نمودار شخصیت مردم آن جامعه، سیستم رفتارها و حالات متکی بر ضمیر ناخودآگاه، هر آنچه یک ملت می‌اندیشد و نیز دارای تولد، دوره حیات، افول و مرگ بوده و همچنین اشتراک در رفتارها و اندیشه‌ها، عامل حفظ جوامع و غیره است (کسروی، ۱۳۴۴؛ اصغر تبارملکشاه و رستمی، ۱۳۹۶)

ویژگی‌های فرهنگ مانند عام ولی خاص، متغیر ولی ثابت، اجباری ولی اختیاری، انتقال‌پذیری، محصول کنش انسان، قابل آموختن، تقسیمات فراوان، ساختاری پویا، تغییرپذیری کم و نیز دارای قواعد و غیره است (مرتضوی، ۱۳۸۶) و همچنین عوامل تأثیرگذار بر آن مانند عوامل ذاتی (خود فرهنگ)، عوامل درونی (مربوط به جامعه‌ای که یک فرهنگ در آن وجود دارد) و عوامل بیرونی (عوامل بیرون از مرزهای جغرافیایی) را می‌توان ذکر کرد (معینی، ۱۳۷۴). عوامل اصلی ویژگی‌های کیفی و کمی زندگی اجتماعی انسان‌ها در فضای معماری، عبارت‌اند از: ارزش‌ها، سنت‌ها، اندیشه‌ها، مفهومی‌ها و بسترهای فرهنگی. در نظر گرفتن این ویژگی‌ها «حس مکان» را به طراحی القا می‌کند (فلامکی، ۱۳۹۰).

طراحی فضای زیست انسان، پایه معماری علمی است و معمار خالق (طراح) این فضا است. فرهنگ در معماری، ادراک انسان از محیط پیرامون خود است لذا برای این طراحی باید به معماری پیرامون بافت توجه داشت (گروتز، ۱۳۸۸؛ توسلی، ۱۳۹۰). تغییرات فرهنگ موجب دگرگونی مبانی و مفاهیم مؤثر در پیدایش یک اثر معماری می‌شود، در نتیجه، اندیشه‌های متفاوت معماران موجب پدید آمدن و تعیین شیوه‌های متفاوت تعامل کالبدی و فرهنگی در بافت پروژه می‌شود (بیاتی و زمانی، ۱۳۹۴). شهرها بستری برای بروز فرهنگ هستند و نمای هر شهر آینه ارزش‌های فرهنگی آن است و این امر موجب اهمیت در تأثیرگذاری بر شکل‌دهی به چهره شهرها شده است (نقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

توجه به زمینه و ارزش‌های آن در پیدا کردن پاسخ‌های طراحی و ایجاد فرمی همگون با آن مؤثر است، لذا این حوزه دارای ماهیت بین‌رشته‌ای است و مباحثی چون مدیریت شهری<sup>۲۷</sup>، طراحی محیط<sup>۲۸</sup>، معماری<sup>۲۹</sup>، جامعه‌شناسی<sup>۳۰</sup>، تاریخ<sup>۳۱</sup>، اقلیم<sup>۳۲</sup>، شهرسازی<sup>۳۳</sup>، مرمت<sup>۳۴</sup> و غیره را شامل می‌شود (Byard, 2016; Virginia, 2010). با توجه به مطالعات این پژوهش به مؤلفه‌های کاربردی برای این رویکرد پی برده و نیز این مؤلفه‌ها به‌عنوان محدودیت‌های طراحی جدید در بافت تاریخی برای مدل پژوهش مؤثر خواهند بود. این مؤلفه‌ها شامل مقیاس، شکل، فرم، موقعیت قرارگیری و کاربری و در یک کلام محیط کالبدی بافت موردنظر، می‌باشند (برولین، ۱۳۸۳). فضاهای خالی و یا فرسوده در بافت‌های تاریخی، فرصتی بالقوه برای توسعه (Suchman, 2008)، رونق و پویایی دوباره بافت است. رشد سکونت، توریسم، رونق جریان اقتصادی و اجتماعی، افزایش امنیت، تردد (Demiri, 2013؛ راپاپورت، ۱۳۹۱) و یکپارچگی و انسجام بافت موجود (Alfirevic & Simovic, 2015) از پیامدهای ساختار جدید در بافت‌های تاریخی است.

### هم‌نشینی عناصر جدید در بافت قدیم

نظرات متعددی در راستای هم‌نشینی عناصر جدید در هم‌جواری با بافت‌های تاریخی وجود دارد که نحوه برخورد آن‌ها را با زمینه را نشان می‌دهد. این هم‌نشینی‌ها عبارت‌اند از: ۱- تضاد و تباین با زمینه<sup>۳۵</sup> (تمایز بنای شاخص از بافت تاریخی، تضاد بنای جدید از بافت تاریخی) ۲- تشابه به قدیم<sup>۳۶</sup> (مشابه‌سازی بنای جدید مانند بافت تاریخی) ۳- حفظ نما<sup>۳۷</sup> (نماسازی شبیه بافت تاریخی، درون بنا کاملاً مدرن، از نظر کاربری، سازه و روش‌های ساخت و غیره) ۴- ناماسازی تزئینی<sup>۳۸</sup> (ساختار جدید و معاصر در کنار هماهنگی با بافت موجود) ۵- قیاسی<sup>۳۹</sup> و وحدت‌بخش<sup>۴۰</sup> (استفاده از شیوه‌های اجرای جدید در عین حال تلاش برای برقراری هماهنگی با استفاده از شباهت‌های فرمی، عناصر شکل‌دهنده، المان‌ها و هندسه معماری) ۶- معماری خنثی<sup>۴۱</sup> و درجه صفر<sup>۴۲</sup> (فاقد تعامل با زمینه، نداشتن نسبت معماری با آن) ۷- ناپایداری، سبک و فانتری<sup>۴۳</sup> (احترام به بافت تاریخی و ساخت بناهای موقت و هم‌ارزش) ۸- ساختار ناآشکار<sup>۴۴</sup> و آینه‌ای<sup>۴۵</sup> (احترام به بناهای ارزشمند و استفاده از شفافیت در طراحی بنای جدید برای تأکید بر بنا یا بافت تاریخی) ۹- معماری زمینه‌گرا<sup>۴۶</sup> (استفاده از المان‌های معماری، فرهنگی و اجتماعی برای طراحی بنای میان‌افزای جدید) ۱۰- رویکرد ترکیبی<sup>۴۷</sup> (استفاده از چند روش برای طراحی بنای میان‌افزا جهت پاسخگویی مطلوب به شرایط موجود) (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۰).

مفاهیم فرهنگ و معماری استخراج‌شده از بطن پژوهش شامل این موارد است: ۱- از نمودهای فرهنگ معماری است؛ ۲- فرهنگ به شکل الگوها و صورت‌ها پدیدار می‌شود؛ ۳- مظاهر فرهنگ دارای شباهت هستند؛ ۴- هر فرم محصول محتوای ذهنی ناشی از فرهنگ است؛ ۵- معماری هر زمان نشان‌دهنده فرهنگ آن دوره است؛

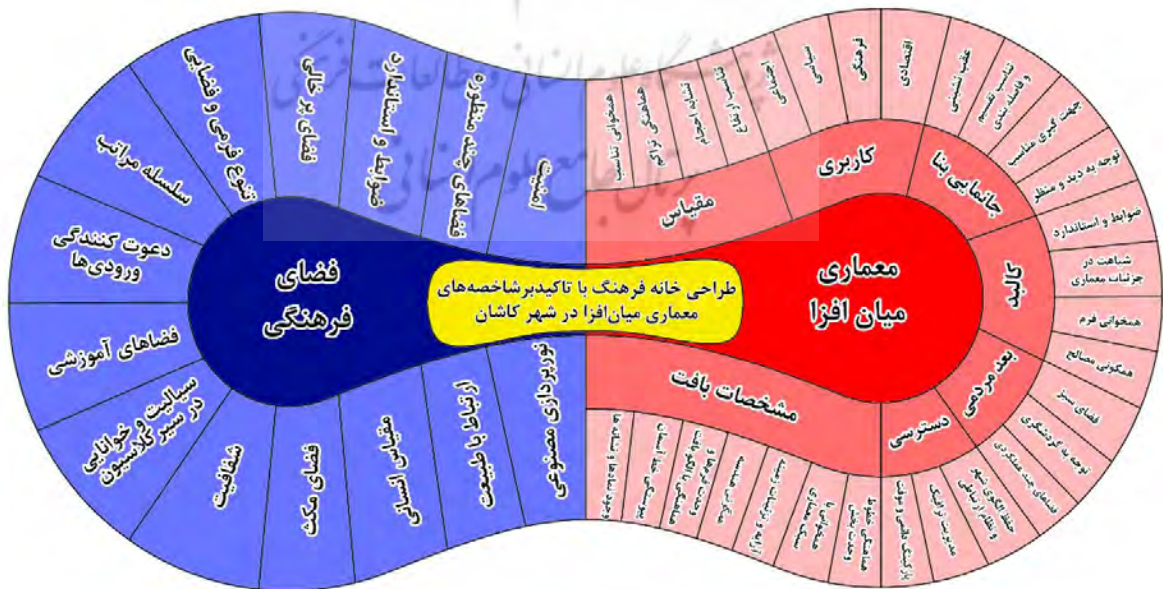
لزوم وجود فضاهای فرهنگی، یکی از نیازهای ذاتی انسان است. نیاز اولیه انسان مانند خوراک، پوشاک، مسکن و نیازهای ثانویه انسان همچون حفظ حریم شخصی، بروز «فردیت»<sup>۴۸</sup> و تمایل به ارتباط با هم‌نوع و محیط، ایجاد فضای اجتماعی و ایجاد ارتباط سالم با هم‌نوع می‌باشند (پورتر و همکاران، ۱۳۷۹؛ عباسی محله، ۱۳۹۵). از ویژگی‌های مکانی فرهنگی می‌توان به ویژگی‌های روانشناسی مانند امنیت، فضای تعامل، بروز استعدادها، محیط آرام و جذاب، مناسب برای پاتوق، ایجاد فضایی خاطره‌انگیز، آدرس‌دهی و دید بصری، نظارت بر فضاهای جمعی و روشنایی شب، به حداقل رساندن فضاهای ناامن و نیز استفاده از ویژگی‌های معماری (کالبدی) برای امنیت (مثلاً حذف گوشه‌ها و فضاهای تاریک)، ایجاد فضاهای عمومی، فضاهای پر و خالی، ورودی دعوت‌کننده، سلسله‌مراتب فضاها و سیرکولاسیون حرکتی، فضاهای چندعملکردی، کنترل صدا (فضای سبز و فاصله با دیگر قسمت‌ها)، فضای مکت، نور غیرطبیعی، فضاهای سیال اشاره کرد (خانی‌زاد، ۱۳۹۳).

خصوصیات این کاربری: فضایی برای برخوردهای اجتماعی، معاشرت بین مردم، تولید و ارتقاء فرهنگ، ایجاد رابطه پویا بین شهر و شهروند (محمدی، ۱۳۹۰)، ترویج فضاهای اخلاقی، هویت بخشی به فضای شهر (پاکدل‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲) است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، ویژگی‌های معماری این مکان: ایجاد فضای تعامل، فضای پر و خالی، امنیت، دعوت‌کنندگی ورودی، فضاهای چند عملکردی، کنترل صدا، فضای مکت، فضای سیال، نورپردازی غیرمستقیم و غیره است (عباسی محله، ۱۳۹۵).

### مدل‌سازی مفهومی پژوهش





بر اساس جمع‌آوری عوامل مطرح‌شده در ارزشیابی شناسایی معیارهای تأثیرگذار معماری میان‌افزا برای طراحی فضاهای فرهنگی و معیارهای یافته شده برای رویکرد میان‌افزا و کاربری فضای فرهنگی، چهارده ملاک برای عوامل فرهنگی و هفت ملاک برای معماری میان‌افزا به‌دست آمده است.

شاخص‌های فرهنگی: ۱- امنیت ۲- فضاهای چندمنظوره ۳- ضوابط و استاندارد ۴- فضای پر و خالی ۵- تنوع فرمی و فضایی ۶- سلسله‌مراتب ۷- دعوت‌کنندگی ورودی ۸- فضای آموزشی ۹- سیالیت و خوانایی در سیرکولاسیون ۱۰- شفافیت ۱۱- فضای مکت ۱۲- مقیاس انسانی ۱۳- ارتباط با طبیعت ۱۴- نورپردازی مصنوعی.



شکل ۱. مدل مفهومی پروژه طراحی خانه فرهنگ با رویکرد شاخصه‌های معماری میان‌افزا

جدول ۱. نمونه‌های موردی پژوهش

<p>۲- مرکز فرهنگی «ال-ترانکو»</p> 	<p>۱- کتابخانه و مرکز فرهنگی «د-فکتوری»</p> 
<p>۴- مرکز فرهنگی «شوی»</p> 	<p>۳- مرکز فرهنگ و هنر جهان دریایی «شن-زن»</p> 
<p>۶- مرکز فرهنگی «بیشان»</p> 	<p>۵- مرکز فرهنگی «زیندر»</p> 
<p>۸- پایگاه فرهنگی «ایتامور»</p> 	<p>۷- سازمان آرشیو تاریخی «اواکاسا»</p> 
<p>۱۰- مرکز فرهنگی «تی جی بائو»</p> 	<p>۹- مرکز «ژرژ پمپیدو»</p> 
<p>۱۲- موزه «گوگنهایم نیویورک»</p> 	<p>۱۱- کلیسای «سن جوزف و سانتا ماریکا»</p> 
<p>۱۴- موسسه «جهان عرب»</p> 	<p>۱۳- هرم شیشه‌ای «موزه لوور پاریس»</p> 

ادامه جدول ۱. نمونه‌های موردی پژوهش

<p>۱۶- مرکز فرهنگی «خاوران»</p> 	<p>۱۵- مرکز فرهنگی «نیاوران»</p> 
	<p>۱۷- سینما «آزادی»</p> 

مطالعاتی (جدول ۱) آزموده و از بیشترین امتیاز تا پایین‌ترین امتیاز اولویت‌بندی شده است (جدول ۴ و ۵).

### تخلیل یافته‌های شاخصه‌های معماری میان‌افزا

همان‌طور که اشاره شد پس از مطالعه، تلخیص و بررسی یافته‌ها از منابع موجود، مدل مفهومی پژوهش (شکل ۱) شاخصه‌های معماری میان‌افزا و شاخصه‌های فضای فرهنگی به‌دست آمده است. جدول ۲ شاخصه‌های معماری میان‌افزا در مدل مفهومی را با زیرگروه‌های مربوطه به تفکیک نمایش می‌دهد. همچنین در جدول ۳ شاخصه‌های معماری فضای فرهنگی می‌باشند.

شاخص‌های معماری میان‌افزا: ۱- مقیاس ۲- کاربری ۳- جانمایی بنا ۴- کالبد ۵- بعد مردمی ۶- دسترسی ۷- مشخصات بافت. ترکیب این دو مقوله اصلی پژوهش، معماری میان‌افزا و فضای فرهنگی که به‌عنوان هدف دستیابی به مدلی جامع به‌منظور ارائه راهکار برای طراحی در بافت تاریخی موجود است.

پس از تشخیص و تعیین ملاک‌های اصلی که مورد اشتراک در حوزه‌های موردنظر در این پژوهش بودند با توجه به ویژگی‌های هر یک از این ملاک‌ها و شرایط مختلف که در ادبیات پژوهش به آن‌ها اشاره گردید، شناسه (شاخص)‌های هر ملاک نیز استخراج گردید که در مدل پژوهش قرار گرفته است (شکل ۱). این متغیرها در موردهای

جدول ۲. شاخصه‌های معماری میان‌افزا

شاخصه‌های معماری میان‌افزا	
همه‌انگهی با خطوط وحدت‌بخش - همه‌خوانی با سبک معماری - آرایه و تزئینات زمینه- پیوستگی خط آسمان	۱ مشخصات بافت
همگونی هندسه - وحدت فرم‌ها و همه‌انگهی با الگوی بافت - وجود نمادها و نشانه‌ها	۲ کاربری
اجتماعی - فرهنگی - سیاسی - اقتصادی	۳ جانمایی بنا
عقب‌نشینی - تناسب تقسیم و فاصله‌بندی - جهت‌گیری مناسب - توجه به دید و منظر	۴ کالبد
ضوابط و استانداردها شهادت در جزئیات معماری - همه‌خوانی فرم - همگونی مصالح	۵ مقیاس
همخوانی تناسب - همه‌انگهی تراکم - تشابه احجام - تناسب ارتفاع	۶ بعد مردمی
فضای سبز - توجه به گردشگری - فضاهای چند عملکردی	۷ دسترسی
حفظ الگوی شهر و نظام ارتباطی - مدیریت ترافیک - پارکینگ دامی و موقت	

جدول ۳. شاخصه‌های مؤثر در طراحی فضای فرهنگی

شاخصه‌های فضای فرهنگی		
۱- ضوابط و استاندارد	۲- تنوع فرمی و فضای	۳- امنیت
۴- فضاهای چندمنظوره	۵- فضای پر و خالی	۶- سلسله‌مراتب
۷- دعوت‌کنندگی ورودی	۸- فضاهای آموزشی	۹- شفافیت
۱۰- فضای مکث	۱۱- مقیاس انسانی	۱۲- ارتباط با طبیعت
۱۳- سیالیت و خوانایی در سیرکولاسیون	۱۴- نورپردازی مصنوعی	



شکل ۲. وضعیت شاخصه‌های میان‌افزایی مرکز فرهنگی جهان عرب نمودار



شکل ۳. وضعیت شاخصه‌های فضای فرهنگی مرکز فرهنگی جهان عرب



کسب‌شده مرتب می‌شود. بیشترین امتیاز قابل کسب در هر دو متغیر ۸۵ در نظر گرفته شده است. به‌عنوان نمونه وضعیت شاخصه‌های معماری میان‌افزا و فضای فرهنگی در مرکز فرهنگی جهان عرب به‌صورت شماتیک (شکل ۲ و ۳) نشان داده شده است. در جدول ۴ و ۵ شاخصه‌های معماری میان‌افزا و فضای فرهنگی با امتیازات بالاتر شاخصه‌ها مشاهده می‌شود.

بررسی و تحلیل موردهای مطالعاتی در قالب مدل مفهومی به‌دست‌آمده با استفاده از طیف لیکرت به اولویت‌بندی شاخصه‌های معماری میان‌افزا و معماری فضای فرهنگی صورت می‌گیرد. مشاهده و بررسی موردهای مطالعاتی، در نظر گرفتن شاخصه‌های موجود در مدل مذکور، امتیازدهی با استفاده از نمودار لیکرت انجام شده و درنهایت پس از جمع هر شاخصه در تمامی موردهای مطالعاتی، به اولویت‌بندی نتایج به‌دست‌آمده پرداخته و از بالاترین امتیاز تا پایین‌ترین امتیاز

جدول ۴. شاخصه‌های برتر رویکرد میان‌افزا در خلق فضای فرهنگی با تأکید بر شاخصه‌های معماری میان‌افزا

ردیف	معماری میان‌افزا	امتیاز
۱	اجتماعی (کاربری)	۸۵
۲	فرهنگی (کاربری)	۸۳
۳	فضاهای چند عملکردی (بعد مردمی)	۷۹
۴	ضوابط و استانداردها (کالبد) - جهت‌گیری مناسب (جانمایی بنا)	۷۷
۵	توجه به دید و منظر (جانمایی بنا) - توجه به گردشگری (بعد مردمی)	۷۶
۶	تناسب ارتفاع (مقیاس)	۷۵
۷	همخوانی تناسب (مقیاس) - حفظ الگوی شهر و نظام ارتباطی (دسترسی)	۷۴
۸	تناسب فاصله و تقسیم‌بندی (جانمایی بنا)	۷۳
۹	هماهنگی خط آسمان	۷۲
۱۰	همخوانی فرم	۷۱

جدول ۵. شاخصه‌های برتر مبحث فضای فرهنگی طراحی با تأکید بر شاخصه‌های معماری میان‌افزا

ردیف	فضای فرهنگی	امتیاز
۱	فضاهای چندمنظوره	۸۵
۲	تنوع فضایی	۸۰
۳	فضای مکث - ضوابط و استانداردها	۷۹
۴	سلسله‌مراتب	۷۷
۵	نورپردازی مصنوعی	۷۶
۶	سیالیت و خوانایی در سیرکولاسیون	۷۵
۷	شفافیت	۷۴
۸	مقیاس انسانی - دعوت‌کنندگی ورودی	۷۲
۹	تنوع فرم	۷۱
۱۰	فضای پر و خالی	۶۷

راهکارهای زیر برای کیفیت‌بخشی در طراحی فضاهای فرهنگی ارائه می‌شود. قابل توجه است که این نتایج بر اساس نظر اساتید شکل گرفته است اما این مسئله از منظرهای دیگر چون کارفرما، دانشجویان و مدیران حوزه آموزش قابل بررسی بوده که هر کدام، پژوهشی مستقل را می‌طلبند. بر اساس مؤلفه‌های مذکور به ارائه راهکارها پرداخته شده است، این راهکارها با توجه به شرایط زمینه قابلیت تغییر دارند و این راهکارها صرفاً مختص این پژوهش بوده و با تغییر زمینه طرح، اولویت‌بندی و راهکارهای پیشنهادی، تغییر می‌یابند. پژوهش در این باب می‌تواند مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند طراحی در زمینه‌های ارزشمند با توجه به موقعیت زمینه و همچنین کاربری موردنظر

با توجه به اولویت‌بندی شاخصه‌های معماری میان‌افزا، مؤلفه‌هایی چون کاربری، اجتماعی و فرهنگی، فضای سبز، فضاهای چندعملکردی، سه اولویت برتر است، همچنین در شاخصه‌های فضای فرهنگی فضاهای چندمنظوره، تنوع فضایی، فضای مکث و ضوابط و استانداردها نیز سه رتبه برتر در بین این شاخصه‌ها را کسب کرده‌اند. این نتایج در فرآیند رسیدن به راهکارهای مطلوب طراحی، کمک شایانی خواهد کرد.

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که اجزا جدول (۴) و (۵) تعیین گردید، بر اساس اولویت‌ها،

جدول ۶. راهکارهای طراحی در شاخصه‌های فضای فرهنگی

شاخص	راهکار طراحی	حوزه کاربرد
امنیت	رعایت سلسله‌مراتب در سیر کولاسیون، وجود سردر، قرار گرفتن مجموعه در فضای محصور، کنترل ورودی و خروجی	عملکردی
تنوع فضایی	ابعاد، مترتال، میلمان و نورپردازی متفاوت فضاها	فرمی و نمادین
شفافیت	طراحی حوضچه - استفاده از فضاهای نیمه‌باز و حیاط مرکزی	فرمی و نمادین
سیالیت و خوانایی در سیر کولاسیون	سیر کولاسیون خطی یا زنجیره‌ای (انشعاب برای مسیرهای فرعی)، عدم پیچیدگی در مسیرهای موجود	عملکردی
فضای پر و خالی	فضاهای با ارتفاع سقف بیشتر و تنوع در نورگیری، فعال‌سازی فضاهای اجتماع	فرمی و عملکردی
تنوع فرم	ترکیب احجام پایه (مربع)، استفاده از احجام معماری بومی منطقه	فرمی
سلسله‌مراتب	سیر کولاسیون حرکتی و دسترسی‌های سلسله‌وار	عملکردی
دعوت‌کنندگی ورودی	عقب‌نشینی فرم در قسمت ورودی، ایجاد سردر ورودی	فرمی
فضای مکث	فضای خالی پس از یک مسیر حرکتی تعریف‌شده، ارتفاع سقف بیشتر، نورپردازی طبیعی	فرمی و عملکردی
مقیاس انسانی	استانداردهای طراحی، ارتفاع مناسب سقف‌ها	فرمی
نورپردازی مصنوع	نمایش و هدایت مسیر حرکتی با فضای گالری و نمایشگاه بدون پنجره، تنوع نورپردازی به نسبت اهمیت آثار	عملکردی
ارتباط با طبیعت	فضای سبز در محوطه مجموعه، استفاده از فضای سبز در داخل مجموعه	نمادین

جدول ۷. راهکارهای طراحی در شاخصه‌های معماری میان‌افزا

شاخص	راهکار طراحی	حوزه کاربرد
کالبد	استفاده از مصالح بومی (آجر، گل و خشت) - طراحی الگوی مصالح شبیه به زمینه استفاده از رنگ‌های نزدیک به مصالح زمینه (رنگ روشن) - استفاده از شیشه‌رنگی	عملکردی
مقیاس	ارتفاع بنا حداکثر ۹ متر - تقسیم کردن بنا به چند بنای کوچک‌تر؛ حجم مکعب و با گنبدگونه	فرمی
مشخصات بافت	پلان مربع - تنوع در چیدمان بنا - استفاده از طاق؛ چیدمان متنوع مصالح - پر و خالی بودن حجم بنا	فرمی
جانمایی بنا	چیدمان خردبناها شبیه به بافت - جهت‌گیری بنا در راستای خطوط سایت؛ احداث بناها با فاصله هم از مرز سایت	فرمی
بعد مردمی	فضای سرپوشیده در محوطه (ایجاد سایه)؛ تنوع مبلمان و سیرکولاسیون - گودال باغچه و حوض	نمادین
دسترسی	کنارگذر برای ورودی اصلی - ورودی ماشین در خیابان فرعی؛ پارکینگ موقت در محوطه و پارکینگ دائمی در زیرزمین	عملکردی

2. Rupture
  3. Robert Venturi
  4. Humanism
  5. The Community
  6. Social Interaction
  7. Infill Architecture
  8. Sense of Place
  9. Luduk
  10. John Raskin
  11. Camillo Boito
  12. Camillo Sitte
  13. Luca Beltrami
  14. Gustavo Giovanni
  15. Patrick Geddes
  16. Le Corbusier
  17. Richard Rogers
  18. Qualitative
  19. Quantity
- شناسایی کرده و پیوندی میان نظریه‌های علمی و مقوله طراحی ایجاد کند.
- شناخت و استفاده از این مؤلفه‌ها و راهکارهای آن، در طراحی فضای فرهنگی مؤثر برای رسیدن به طرحی همگون و فرمی پایدار، ساختار منسجم طرح با شهر، هماهنگی خط آسمان بنا با بافت و ارتقاء کیفیت فضای فرهنگی را در پی دارد. همچنین سیمای شهری مطلوب، استمرار هویت مکانی، انسجام بافت شهری، امنیت بیشتر بافت و فعال شدن آن از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله تأثیرات معماری میان‌افزا بر بافت شهری است.
- راهکارهای طراحی برای متغیرهای معماری میان‌افزا، برای رسیدن طرح به نتیجه‌ای همگون (فرم و عملکرد) و همچنین راهکارهای طراحی برای متغیرهای فضای فرهنگی، برای دستیابی به حداکثر فضای مطلوب فرهنگی با توجه به محل استقرار سایت موجود در نظر گرفته شدند (جدول ۶ و ۷).

- مقاوم‌سازی لرزه‌ای ایران. کنفرانس بین‌المللی روش‌های نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گر.
۲. اصغر تبارملکشاه، بهاره؛ و رستمی، راحله. (۱۳۹۶). تأثیر ادراک فضا در هویت بخشی فرهنگسرا. کرج. موسسه آموزش عالی شهریار. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط‌زیست. دسترسی از: [https://www.civilica.com/Paper-ENGIN01-ENGIN01\\_107.html](https://www.civilica.com/Paper-ENGIN01-ENGIN01_107.html)
۳. برولین، برنت سی. (۱۳۸۳). معماری زمینه‌گر سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم. (راضیه رضازاده، مترجم). تهران: نشر خاک. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۰).
۴. برک، پیتر. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ چیست؟. (نعمت اله فاضلی و مرتضی قلیچ، مترجمان). تهران: نشر پژوهشکده تاریخ اسلام. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۴).
۵. بیاتی، سمانه؛ و یوسف زمانی، مهرداد. زمانی، مهرداد یوسف (۱۳۹۴). شاخصه‌های هویت‌ساز در معماری ایرانی. تبریز. مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی. کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر. دسترسی از: [https://www.civilica.com/Paper-ICOHACC01-ICOHACC01\\_559.html](https://www.civilica.com/Paper-ICOHACC01-ICOHACC01_559.html)
۶. پارسی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری. نشریه هنرهای زیبا. ۱۱، ۴۱ - ۴۹.
۷. پاکدل نژاد، مصطفی؛ و فلاح نیاسر، محمد سعید. (۱۳۹۲). خانه فرهنگ و هنر: آشنایی با اهداف، ساختار، وظایف و مأموریت‌های خانه‌های محلات. تهران: نشر مدبران.
۸. پورتر، ریچارد؛ و استفانی، لیزا؛ و سامووار، لاری. (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ‌ها. تهران: نشر باز. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).
۹. ترک‌زبان، شقایق؛ و محمدمرادی، اصغر. (۱۳۹۰). ضوابط طراحی معماری در یافت‌های تاریخی، شهر و معماری بومی. ۱، ۵۳ - ۶۶.
۱۰. توسلی، محمود. (۱۳۹۰). طراحی شهری هنر نو کردن ساختار شهر. (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. تولاتی، نوین. (۱۳۸۰). زمینه‌گرایی در شهرسازی، هنرهای زیبا. ۱۰، ۳۴ - ۴۳.
۱۲. راپاپورت، آموس. (۱۳۹۱). فرهنگ معماری و طراحی. (ماریا برزگر و مجید یوسفنیاپاشا، مترجمان). (چاپ اول). تهران: نشر شلفین.
۱۳. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۰). از شار تا شهر. (چاپ یازدهم). تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. حبیبی، سیدمحسن؛ و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۹). مرمت شهری. (چاپ چهارم). تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. حناچی، پیروز؛ و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴). احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت. (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
20. Conceptual Modeling
21. Evaluation
22. Case Study
23. Likert Scale
24. Historical continuity
25. Coherence
26. Contextualism
27. Urban Management
28. Environment design
29. Architecture
30. Sociology
31. History
32. Climate
33. Urban
34. Mending
35. Contrast
36. Similarity
37. Integration
38. Urban Decorative Facade
39. Analogy
40. Unity
41. Neutral
42. Zero Degree
43. Deride & Temporary
44. Invisible
45. Mirror
46. Contextual Architecture
47. Complex Approach
48. Individuality
۴۹. قابل ذکر است به دلیل حجم بالای تحلیل نمونه‌های موردی در این پژوهش، از ارائه تمامی جزئیات صرف‌نظر شده است و تنها به ارائه نتایج آنها بسنده شده است.

## فهرست مراجع

۱. اسدی تبار، حمیده؛ و شیرانی، زهرا. (۱۳۹۳). مروری بر جایگاه زمینه‌گرایی در معماری نوین. تبریز. دپارتمان معماری و شهرسازی انستیتو

۱۶. خاکی، غلامرضا. (۱۳۹۰). روش تحقیق (با رویکرد به پایان نامه نویسی). (چاپ نهم). تهران: نشر فوژان.
۱۷. خانی‌زاد، شهریار. (۱۳۹۳). طراحی فضاهای فرهنگی در ایران و جهان. (چاپ اول). تهران: نشر هنر معماری قرن.
۱۸. دروکی، مجتبی؛ و کسکنی، مه‌ری؛ و تقوایی‌پور، الهام. (۱۳۹۵). فرهنگسرا. تهران. موسسه فراز اندیشان دانش بین‌الملل. کنفرانس سالانه علمی- تخصصی عمران، معماری، شهرسازی و علوم جغرافیا در ایران باستان و معاصر. دسترسی از: [https://www.civilica.com/Paper-SCEAUG01-SCEAUG01\\_149.html](https://www.civilica.com/Paper-SCEAUG01-SCEAUG01_149.html)
۱۹. روح‌الامینی، محمود. (۱۳۹۴). زمینه فرهنگ شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی، مردم‌شناسی. (چاپ سوم). تهران: نشر عطار.
۲۰. زندوکیلی، سعید. (۱۳۹۶). نظریات جهانی طراحی شهری میان‌افزا. شیراز. موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی. سومین کنفرانس سالانه بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی. دسترسی از: [https://www.civilica.com/Paper-ICAUC03-ICAUC03\\_122.html](https://www.civilica.com/Paper-ICAUC03-ICAUC03_122.html)
۲۱. شاه تیموری، یلدا؛ و مظاهریان، حامد؛ و حناچی، پیروز. (۱۳۹۰). ساختارهای جدید، واسطه پیوند میان گذشته و آینده (طراحی در مجاورت آب‌انبار سردار و حمام راه ری در شهر قزوین). مجله هفت شهر. ۳۷ و ۳۸، ۴۰ تا ۵۵.
۲۲. عالی، حسین؛ و تاجیک، شهرام. (۱۳۸۷). مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. (چاپ اول). تهران: موسسه انتشاراتی جهان جام جم.
۲۳. عباسی محله، یداله. (۱۳۹۵). طراحی فضاهای فرهنگی مفاهیم استانداردها پروژه‌های اجرایی. ارومیه: نشر ارومیه.
۲۴. فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۰). پیشینه‌ها و روزهای مدرنیته. مجله هنر سو. ۱، ۱۱ تا ۲۰.
۲۵. فیلندن، برنارد؛ و یوکیلتو، یوکا. (۱۳۸۲). مدیریت محوطه‌های میراث جهانی. (بهرام معلمی، مترجم). نشریه هفت شهر. ۱۲، ۱۴۳ تا ۱۳۵.
۲۶. قبادیان، وحید. (۱۳۹۱). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. (چاپ نوزدهم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۷. قدیری، بهرام. (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی. (چاپ دوم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۸. کسروی، سید احمد. (۱۳۴۴). فرهنگ چیست. (چاپ اول). تهران: نشر باهماد آزادگان.
۲۹. گروتز، کورت. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی در معماری. (چاپ اول). (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۰. محمدی، ناصر. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر طراحی فرهنگسراها. فصلنامه‌ی هنرمعماری. ۲۲، ۲۸ تا ۳۷.
۳۱. مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی: نمونه‌هایی از پژوهش‌های درون و بین فرهنگی. (چاپ اول). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳۲. معینی، جهانگیر. (۱۳۷۴). نظریه و فرهنگ. (چاپ اول). تهران: مرکز مطالعات تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
۳۳. نوزوی، ملیحه؛ و شایسته، سیما. (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر معماری بومی. مشهد. موسسه آموزش عالی خاوران. همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت معماری بومی تا شهر پایدار. دسترسی از: [https://www.civilica.com/Paper-ACUM01-ACUM01\\_254.html](https://www.civilica.com/Paper-ACUM01-ACUM01_254.html)
۳۴. نقی زاده، محمد؛ و زمانی، بهادر؛ و کرمی، اسلام. (۱۳۸۹). ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نمای شهری ایرانی در دوره اسلامی، نشریه هویت شهر. (۷)، ۶۱ تا ۷۴.
۳۵. سعیدیان، فرشته؛ و مریم مصدق. (۱۳۹۲). ارتقای فرهنگ و حفظ هویت توسط پایداری اجتماعی نمونه مطالعاتی: محله جوباره اصفهان، کرج. مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری. دسترسی از: [https://www.civilica.com/Paper-ACUM01-ACUM01\\_254.html](https://www.civilica.com/Paper-ACUM01-ACUM01_254.html)
۳۶. مسعود، محمد؛ و بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی. (چاپ اول) تهران: نشر آذرخش.
37. Alfirevic, D. & Sanja, S. (2015). Infill Architecture: Design Approaches for In-Between Buildings and, Bond” as Integrative Element. *UDK BROJ Journal*.
38. BYARD, P.S. (1998). *The Architecture of Additions Design and Regulation*. W.W. Norton & Company.
39. BYARD, P.S. (2016). Innovation and insight in the contemporary architecture of addition. *Harvard Design Magazine*, 23, 8-21
40. Demiri, K. (2013). *New Architecture as Infill in Historical Context, Architecture and Urban Planning*. National Technical University of Athens.
41. Tylor, E.B. (2012). Primitive Culture: Researches In to The Development Of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art And Custom. *Nabu Press*, 2, 147-163.
42. Stokots, D. Altman, I. (2005). *Handbook of environmental psychology*. NewYourk: John Wiley and Sons.
43. Suchman, D. (2008). *Developing Successful Infill Housing*. Urban Land Institute.

44. Venturi, R. (2002). *Complexity and Contradiction in Architecture*. Abrams Publication. Perspectives and Evidence from Economics and Planning. *RFF DP Art magazine*, 8, 10-13.
45. Mc Connell, V. & Wiley, K. (2010). *Infill Development*:



## Measuring the Effectiveness of Infill Architecture Criteria on the Design of Cultural Spaces

*Sedigheh Ghazanfarian, M.A. Department of Architecture, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.*

*Reza Naghbishi\*, Assistant Professor, Department of Architecture, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.*

*Neda Ziabakhsh, Assistant Professor, Department of Architecture, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.*

### Abstract

Neglecting to urban texture and current context by recent unidentified constructions has made image distress of the cities and caused the visual rupture. In modernism, the sight of mono-building got the priority and caring about its affiliation with context has faded and forgotten. Hence cities have visual chaos and these unfamiliar contradictions express the textures anonymity. Empty spaces or worthless rusty buildings need to be replaced with new buildings that are homogeneous with architecture and cultural identity of texture. Infill buildings should be designed according to the context components to be a part of the context in addition to being independent. Appropriate use of these spaces in historical texture and creation of cultural and social uses will cause the revival, preservation and deployment of region identity, eke cultural and economic interaction continuity of habitation. Identification of promotion factors of qualitative in the design of cultural spaces by using the indicators of infill architecture due to achievement of the designing solution is the aim of this study. Lead to proceed the conceptual modelling resulted from analysis in principal variables of research according to effective indicators on the formation of the research variables by descriptive-analytical method from gathered data. Then, it proceeds analyzing and evaluating the case studies that are searched and selected specifically in the field of this research, then testing; and quantifying of resulted indicators from studies that are structured in conceptual model of research; and eventually, prioritize the components of subject are identified through the quantifying and scoring based on Likert scale. Finally, after survey and analysis, six principal criteria and thirty-six sub-indicators are achieved; which required solutions according to prioritized results are presented. Among the most important indicators of infill architecture can mention such as social and cultural uses, multifunctional space, proper orientation, consonance of form and unifying lines, and eke creation of multipurpose space, spatial diversity, pause space and hierarchy. These results will considerably help to the achievement process of desirable solutions. The presented designing solutions are adoptable with the condition of a customizable context, expansion and optimization; which are specifically for this study and if the context design changes, prioritization and solutions also would be changed. Studying in this field can identify the influential component of designing procedure valuable contexts considering the context condition and also intended usage, and create a link between scientific theories and designing category. This study considers the solutions for variable of infill architecture, to reach the design to a standard result (form and function); and also designing solutions for variables of cultural spaces, to reach the utmost cultural desirable space according to present site location. Based on the results, considering the mentioned solutions will follow the identifying and use of components of infill architecture moreover its solutions for designing, for quality promotion of cultural spaces, and eke, attainment to the standard design and stable form, coherent structure consonant with the texture, and likewise, creation a desirable urban image, continuous cultural and local identity, more active economic and safety in the texture.

**Keywords:** Infill Architecture, Historical Context, Contextualism, Conceptual Modeling.

\* Corresponding Author Email: [Reza.naghbishi@gmail.com](mailto:Reza.naghbishi@gmail.com)